

دفتر نهم از مجموعه غنچه تا بقچه



نسخه‌ای به رفتن

نویسنده:

دکتر احمد علی معصومی

سرشناسه	: معصومی، احمدعلی، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: بقچه...بقچه ایست(نرو بدو خیلی بدو بار هم بدو ... ایست)/مؤلف احمدعلی معصومی.
مشخصات نشر	: اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۲ص. وزیری
فروست	: ... مجموعه غنچه تا بقچه: دفتر نوم.
شابک	: 978-600-344-247-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: زندگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: انسان -- چرخه زندگی
رده بندی کنگر	: ۱۳۹۲ ب۷/م۶/۹۵/۹۹/۹۹
رده بندی دیسی	: ۳۰۵/۲۲
شماره ثبت کتاب ملی	: ۲۱۲۸۲۸۹

نام کتاب: بقچه

نیم نگاهی رفتن

نوشته: دکتر احمدعلی معصومی

ناشر: محقق اردبیلی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

چاپ: جامی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۴-۲۴۷-۴

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است.

چرائی دویدن. چرا باید دوید؟! با کمی چاشنی مزاح شروع کنیم باهم بدویم موقع دویدن چرائی را می گویم! فعلاً بدو!... باید دوید! باید دوید! هم برای کسب استقامت و هم برای خرج کردن آن باید دوید!! چند دور؟! چند دور نیست مرحله ای و زمان بندی است! از کجا تا کجا؟! از خنچه یا بقچه!! یعنی چه؟! این چه شوخیه؟! نفس... نفس... هن... هن... گوش کنید قبل از اینکه نفسم بند بیاید توضیح می دهم منظور از خنچه همان خنچه عقد است.

خنچه بیارید... لاله بکارید. خنچه بیارید شاه داماد مبارک بادا و ... این مهمترین قسمت زندگی است. بعد از آمادگی و پخته شدن و بلوغ جسمی و روانی و عاطفی. نفس کم آوردم هن... هن... حالا بقچه چه؟! توضیح زیاد لازم نیست خسته می شوم نفس کم می آورم! نمی شود هم دور هم حرف زد برای انجام کار بسته و بقچه ای تهیه می شود و در پایان کار بقچه بسته می شود. ننی چه؟! ما به اینکار مجبوریم...

بقچه... بقچه... هان بقچه. بعدش چی؟! بقچه ایماندهی وجودی و شخصیتی و ثمره دویدن و همه داشته های از دست داده و باقیمانده کوچک از آنهم پیچیده در یک پارچه سفید چند متری!!! هن... هن... سرفه... دیگر نفس ندارم! ایست... ایست

کمی صبر کنید لحظاتی بعد کمی جدی تر سخن ها خواهم بست این مراحل مثل یک فیلم و تئاتر ترازدی کمیک است. هی نرو، نرو، برو بدو... و آخرش خط مستقیم و صاف است.

من مراحل زندگی را در نه منزل می بینم. هر منزل اسمی دارد و حرکت در آن نیز نوعی از حرکت هاست.

۱- خنچه (نرو)

۲- شکوفه (برو)

۳- شاخه گل (بدو)

۴- نهال (بدو بدو)

۵- سرو (خیلی بدو)

۶- سبز بویا (بدو... رو)

۷- سبز باشکوه (باز هم برو)

۸- ریشه دار (خیلی بدو همیشه بدو)

۹- بقچه (ایست)

درختان استاد می میرند یا می مانند. سیری بی گریز از غنچه به خزان است. بقچه! جلد تا علامت تعجب توأم با تأسف که هنوز تعیین نشده است. نرو، بدو، بدو، خیلی بدو، باز هم بدو، سریع بدو، بدو رو، تا آخر عمر بدو تمام شده فرمان ایست؟! ایست؟! لطفاً تکیه صفحه را هرکس با باورها و دانش و بینش خودش بنویسد! فقط می دانم بدو از ایست ما خیلی ها مشغول دویدن هستند.

دکتر احمد علی معصومی

آذرماه ۹۴

۹	مقدمه
۱۱	۱- آثار انسان
۱۱	۲- بقچه چیست؟
۱۱	۳- بقچه های زندگی
۱۲	۴- بقچه های بعد از رفتن
۱۴	۵- صاحبان بقچه
۱۵	۶- وارثان بقچه
۱۶	۷- چند نوع بقچه
۱۷	۸- بقچه دیگر بقچه خاکی است
۱۸	۹- بقچه سخن
۱۹	۱۰- بقچه مالی
۲۰	۱۱- بقچه های سخن گرانقیمت؟
۲۰	۱۲- بقچه های مدرن!
۲۰	۱۳- چند بقچه باهم!!
۲۱	۱۴- چهار نوع بقچه می ماند؟
۲۴	۱۵- بقچه قبل از مسافرت
۲۵	۱۶- بقچه حج
۲۷	۱۷- بقچه قبل از ازدواج
۲۸	۱۸- بقچه قبل از تولد نوزاد
۲۸	۱۹- بقچه مانده یا نمانده؟

مقدمه

در سیر حیات انسان از اولین نفس که به شکل گریه است و خنده شاد اطرافیان منتظر و سلام آخرین که دیدگان ما آن طرف پرده را نمی بیند و این طرف چشمها باران اشک دارند. نیروهائی درونی و بیرونی تکامل و رشدی را برای این نوزاد کوچک نازنین فراهم می کنند که فقط جسمانی نیست. مهارتهائی ایجاد و تعلیم می شود و آموزشهای فراوانی بتدریج ارائه می گردد و بتدریج صفات انسانی از عقل و شعور و تمیز و قضاوت و درک و حل مسئله و حل مشکلات و پیش بینی علمی وقایع و تولید مرکب های پیچیده از عوامل ساده و تغییر خود و اطرافیان و حتی محیط زیست و ... به ظهور می رسد.

بتدریج سرعت یکپوشایی که با چند برابر سرعت و گاه تصاعدی انجام می شود و در مقاطعی از عمر و زمان کائنات، بسیار بزرگ اختراعات و اکتشافات عظیم صورت می گیرد.

در قرون شعر و ادبیات بسیار شکوفا می شود. در مقطعی شیمی و فیزیک و ریاضی غوغا می کند و گاهی نجوم و فضا به بالاتر از بالاتر ها می رود و هر لحظه داشته ها و ذخائر فکری و علمی انسان زیاده تر شده اعمال در گرانها از آنها سر می زند. هنر شکوفه ها می کند و واژه ها زیاده تر می شود و سر برآمده می شود و انسانی برای عشق قصیده ای به بلندای ازل تا ابد می سراید و بی آدم را اعضاء یک پیکر معرفی می کند. عاطفه ها غلیان می کند، دلها پرتپش از عشق فداکاری را تجربه می کند و بعضی نیز چنان وسیع می اندیشند که گرسنه سودانی و بیافرائی و کودک مظلوم فلسطین و عراق و سوریه و افغان دل آنها را به درد می آورد و نه تنها به خاطر عشق میهن جان فشانی می کنند بلکه به خاطر آرزوی صلح زیبا که آرزوی هر انسانی است در اصلاح جهان و تولید فکر و اقدام سعی می کنند.

هر جا که دست نیازی سراغ بدهند بی دریغ دست کمک انسانهای والا دراز است. انسان را نمی شود در همین چند سطر و صفحه نشان داد! چنان وجود نازنین و عظیمی است که ردای خلیفه الهی فقط به قامت رسای او اعطا شده است او قدر این تاج شرف را اغلب به خوبی می داند گرچه موجودات دوبا که نام انسان را دزدیده اند و پائین تر از حیوان گشته و عوض وصلت با علم و دانش و آگاهی وصل به سیاهی و گمراهی داعش شده اند.

برخلاف این گروه که داشته های فطری خود را باخته اند و اندوخته ای از شهوت انسان کشی را با آن سیاهی و تخریب دارند! خیل عظیم انسانها داشته ها و اندوخته های علمی و عاطفی که نه ناپیدایی دارند. این گوهراں تابناک، خلّاقیت و عظمت و رحمانی و رحیمی را از خالق خود امانتدارند. عصرها زنجیروار و پیوسته گذشته است و طبق قانون خلقت در آنها، هر حرکت هستی هر قدر طولانی هم باشد زمان عاملی است که از شیرخواری تا نوجوانی و جوانی و کامل شدن حکم می راند و در پایان و در پایان نوبت این است! شگفتا و هزاران دریغ و حسرت بر این لحظه پایان!

از مسائل معنوی و ارتباط روح به مبداء و رستخیز عظیم و عده الهی می گذریم و از بررسی حساب اعمال خوب و بد نیز بگذریم. انسانان علوم الهی دانایان و روشنگران این مطالب هستند. ما تا لحظه آخر حرفهائی داریم. کوله باری از فکر و اندیشه، عاطفه و عشق و احساس، علم و تجربه، حرفهائی نگفته، فکرهای بیان نشده، نقشه های روی کاغذ، رسم آینده خود و آنهایی که دوستشان داریم و نقاشی تابلوی بزرگی که برای پیشرفت و صلح و آرامش جهان کشیده ایم با مقداری داشته های مالی، در یک نفس واپسین که گاه فرو می رود مفرح ذات نیست و چون برون آید ممدّد حیات نیز نمی تواند باشد. انسان رفته اثراتی از خود بر جا می گذارند.